فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی
شماره65، بهار1393، صفحات 89 تا 122

دعوای گروهی و تأثیر آن بر حمایت از حقوق مصرف‌کننده*

عباس قاسمی حامد[1]
آرزو فلاح[2]

(تاریخ دریافت:1393/01/30 - تاریخ تصویب: 1393/06/18)

چکیده

برای طرح ادعایی مشترک، دعوای گروهی از سوی افراد متعدد علیه خوانده‌ی واحد اقامه می‌گردد. در این شکل از اقامه‌ی دعوا، یک نفر یا بیشتر از اعضای گروه به عنوان نماینده‌ی گروه درخصوص ادعای مشترک بین اعضا، علیه یک یا چند خوانده اقامه‌ی دعوا می‌کنند. اعضای گروه اگرچه در بیشتر موارد نقش فعالی در دادرسی ندارند اما، به نتیجه حاصل از دادرسی ملزم خواهند بود. امروزه دعوای گروهی به عنوان یکی از اقسام طرح دعوا به صورت دسته‌جمعی از جایگاه ویژه‌ای در حقوق آمریکا برخوردار است. طرح دعوا به صورت گروهی، فرصت و امکان احقاق حق برای تعداد کثیری از افرادی که به تنهایی انگیزه‌ی کافی برای پیگیری مطالبات اندک خود ندارند را فراهم می‌آورد. از طریق این شیوه اقامه‌ی دعوا، کارآیی سیستم قضایی افزایش می‌یابد و طرح دعوا از سوی تعداد زیادی از افراد، مقرون به صرفه جلوه می‌نماید. شرایط اقامه‌ی دعوای گروهی در ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا و قانون منصفانه‌ی دعوای گروهی مصوب سال 2005 میلادی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. دعاوی گروهی در زمینه‌های متعددی از قبیل حقوق مصرف‌کننده، ضد انحصار، حقوق استخدامی، حقوق مدنی، محیط زیست و... طرح می‌شوند.

واژگان کلیدی: دعوای گروهی، اعضای گروه، وکیل گروه، جبران خسارت، سازش.

1- نویسنده‌ی مسئول - استاد حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی. Email: dr.gh.hamed@gmail.com
2- کارشناس ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم می باشد که در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

مقدمه

حقوق افراد جامعه، به وسیله‌ی قوانین شکلی و ماهوی تضمین و مورد حمایت قرار می-گیرد. پیش‌بینی ابزارهای شکلی تسهیل‌کننده طرح دعوا و پیگیری مطالبات افراد، از لوازم ضروری اجرای این قوانین ماهوی تلقی می‌گردد. از سوی دیگر، امروزه با توجه به تولید محصولات در سطح انبوه و وجود بازارهای گسترده‌ی اقتصادی، متضرر شدن از مصرف محصولات معیوب یا روش‌های متقلبانه که به نوعی حقوق افراد را تضییع می‌کند امری اجتناب‌ناپذیر است. وضع قوانین شکلی، ماهوی و سازوکارهای نوین در جهت احقاق حق مؤثرتر مصرف‌کنندگان متضرر، نیازی است که جامعه‌ی حقوقی ایران با آن مواجه است. بر این اساس اقدامات پژوهشی مرتبط با زمینه‌های یادشده آغاز گردید. به موازات پژوهش‌های صورت‌گرفته، قانون‌گذار نیز دست به‌کار شد. در این رابطه می‌توان به قانون تجارت الکترونیکی مصوب 1382/10/17، قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب 1386/3/23، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی مصوب 1386/11/8 و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب 1388/7/15، اشاره نمود.

وضع قوانین مرتبط با شیوه‌های جدید طرح و اقامه دعاوی نقش مهمی در پاسخ به ضرورت اجتماعی یادشده ایفا می‌نماید. در مواردی که مطالبات افراد ناچیز است و با توجه به هزینه‌ی بالای اقامه‌ی دعوا برای متضررین، انگیزه‌ای برای طرح دعوا و پیگیری آن وجود ندارد، جامعه نیازمند راه‌حلی است که به موجب آن احقاق حق متضررین به بهترین نحو صورت گیرد. دعاوی گروهی راه‌حلی را فراهم می‌کند تا در مقابل این موانع با اجتماع ادعای افراد متعدد در یک دعوا، به این نیاز پاسخ داده شود. دعوای گروهی، با نمایندگی شخص یا اشخاصی از سوی تعداد زیادی از افراد، علیه یک یا چند خوانده مطرح می‌شود. این شیوه اقامه‌ی دعوا، طریقی برای احقاق حق و جبران خسارت وارده به تعداد زیادی از افراد، با هدف کاهش هزینه‌ها و افزایش کارآیی رسیدگی، استفاده‌ی بهینه از زمان و سرمایه‌ی سیستم قضایی

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

شمرده می‌شود. دعوای گروهی به عنوان یک شیوه اقامه‌ی دعوا، امکان استیفای حقوقی را فراهم می‌سازد که درصورت عدم کاربرد آن، فرصت رسیدگی و طرح نمی‌یافتند.

از آن‌جایی که دادرسی هزینه‌های قابل توجهی به دنبال دارد، زمانی ادعاهای افراد برای رسیدگی در دادگاه طرح می‌شود که منافع حاصل از آن‌ها بر هزینه‌ها برتری داشته باشد. از این رو، دعوای گروهی اقامه‌ی دعاوی مرتبط با ادعاهای کوچک را تسهیل می‌نماید. از سوی دیگر، لزوم حمایت از مصرف‌کننده یکی از مباحث مشترک بین علم حقوق و اقتصاد محسوب می‌شود. برای برقراری تعادل در روابط قراردادی فیمابین متخصصین و مصرف‌کنندگان باید قواعدی مؤثرتر از قواعد موجود پیش‌بینی کرد. پیش‌بینی شیوه‌ای برای اقامه‌ی دعوا که احقاق حقوق مصرف‌کنندگان متضرر را بهتر و سریع‌تر امکان‌پذیر کند، مسأله‌ای است که بسیاری از کشورها به آن توجه نموده‌اند.

امروزه دعوای گروهی در زمره‌ی قدرتمندترین ابزارهای حقوقی و قانونی در ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. طی سال‌های متمادی با بررسی دعاوی گروهی متعدد در این کشور، کاستی‌های آن آشکار شده و متولیان امر با قانون‌گذاری‌های بعدی در صدد رفع مشکلات آن برآمده‌اند. سیستم دعوای گروهی در حقوق فدرال آمریکا به گونه‌ای است که سایر کشورها نیز در تدوین قوانین خود، رویه‌ی فدرال ایالات متحده آمریکا را به عنوان الگویی منسجم و مدون، در زمینه‌ی دعوای گروهی مدنظر قرار داده‌اند. در واقع، رویه‌ی دعاوی گروهی فدرال به عنوان بدنه‌ی اصلی دعاوی گروهی ایالات متحده آمریکا شناخته می‌شود. در این مقاله با بررسی حقوق فدرال ایالات متحده آمریکا در این حوزه، سعی خواهد شد دعوای گروهی معرفی شود و در کنار آن طرق مشابه طرح دعوای گروهی در حقوق ایران نیز مورد مداقه قرار گیرد تا از این طریق، راه برای بررسی‌های بعدی در این موضوع هموارتر گردد.

حقوق مصرف یکی از بسترهای مناسب بهره‌برداری از طرح دعوای گروهی است. در بسیاری از کشورها که در قوانین شکلی خود اقامه‌ی دعوای گروهی و لوازم آن پیش‌بینی نشده، به سازمان‌های حمایت از مصرف‌کننده امکان و اختیار طرح دعوا از سوی صدها یا

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

هزاران مصرف‌کننده را داده‌اند. به منظور حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در حقوق ایران، اقدامات سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در رابطه با رسیدگی به شکایات و پیگیری تخلفات، امری بسیار مثبت و حائز اهمیت است. اما، این سازمان به تنهایی نتوانسته دعاوی مصرف‌کنندگان و اهداف حمایتی مربوط به آن‌ها را به‌طور جدی به انجام رساند. صرف‌نظر از ارائه‌ی راه‌کارهای حمایتی مطلوب در اساسنامه سازمان یادشده، به نظر می‌رسد، راه‌حل پر نمودن خلأهای موجود، رشد و شکوفایی فعالیت انجمن‌های حمایت از مصرف‌کنندگان در کشور می‌باشد که در ماده 9 قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

با توجه به اختیاراتی که اخیراً به انجمن‌های شهرستانی حمایت از مصرف‌کننده داده شده است (ماده 10 آیین‌نامه اجرایی ماده 21 قانون حمایت از مصرف‌کننده)، پیش‌بینی رویه‌هایی برای تسهیل اقامه‌ی دعوا که احقاق حق بهتر افراد متضرر، کاهش زمان و هزینه و حفظ منابع سیستم قضایی را به‌دنبال داشته باشد، مورد توجه قرار گرفته است. این امر، یکی از گام‌های اولیه‌ی دعوای گروهی محسوب می‌شود. با وجود این، دعوای گروهی در قوانین شکلی ایران هنوز به شکل مستقل پیش‌بینی نشده و اختیارات گسترده‌ای نیز به انجمن‌های حمایت از مصرف‌کننده داده نشده‌است. انجمن‌های حمایت از مصرف‌کننده رأساً و بدون دریافت شکایت از سوی مصرف‌کنندگان، امکان طرح دعوا در سازمان تعزیرات حکومتی و پیگیری موضوع را ندارند. با این توجه، افزایش حوزه‌ی صلاحیت و اختیارات این انجمن‌ها موجبات بهره‌مندی از مزایای طرح دعوای گروهی را فراهم می‌سازد.

این پژوهش از جمله گام‌های اولیه به منظور معرفی دعوای گروهی در حقوق ایران محسوب می‌شود؛ تا با بیان مزایای آن، زمینه‌ی بررسی‌های بیشتر و پیش‌بینی این شیوه اقامه‌ی دعوا در حقوق ایران در جهت حمایتی مؤثرتر از حقوق مصرف‌کنندگان فراهم گردد.

قسمت اول- شناسایی دعوای گروهی و سایر طرق اجتماع افراد در دعاوی

در این قسمت، ابتدا دعوای گروهی مورد شناسایی قرار خواهدگرفت (مبحث اول) و سپس از آن‌جایی که دعوای گروهی یکی از اقسام طرح دعاوی دسته‌جمعی است، برای

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

مشخص کردن جایگاه آن، سایر طرق اجتماع افراد در دعاوی در حقوق آمریکا نیز، مورد بررسی قرار می‌گیرد (مبحث دوم).

مبحث اول- شناسایی دعوای گروهی

آشنایی با پیشینه و تعریف دعوای گروهی (گفتار اول) زمینه‌ی شناسایی اقسام دعوای گروهی (گفتار دوم) را فراهم می‌آورد.

گفتار اول- پیشینه و تعریف دعوای گروهی

دعوای گروهی در طول زمان مسیر پر فرازونشیبی را طی نموده است. با این توجه، لازم است ابتدا پیشینه‌ی این نوع دعوا بررسی شود (الف) و سپس مفهوم دعوای گروهی به عنوان یک شیوه اقامه‌ی دعوا مورد بحث قرار گیرد (ب).

الف- پیشینه دعوای گروهی

به لحاظ تاریخی، ریشه‌های دکترین دعوای گروهی، با مشکلات ناشی از اجرای «قانون لزوم حضور اعضای ذینفع در دادرسی» (Necessary Parties Rule) در دادگاه‌های چنسری انگلستان (قرن‌های 17 و 18) مرتبط است. مطابق این قانون، هر فردی که در موضوع دعوا نفعی برای او متصور بود، می‌بایست به عنوان طرف دعوا به دادرسی بپیوندد. اندیشه‌ی حاکم بر این قانون چنین بود که عدالت نهایی تنها با تعیین حقوق تمام افراد مرتبط با موضوع دعوا تجلی و تحقق می‌یابد. این قانون موجب جلوگیری از طرح دعاوی متعدد می‌شد و اجرای حکم از سوی تمام افراد حاضر در دادرسی را تضمین می‌کرد (JR,L.Gedid, Hazard Sowle, 1998, p.1858).

در مواردی که اجتماع افراد متعدد در دادرسی غیر ممکن به نظر می‌رسید، دادگاه‌ها این دعاوی را مستثنا کرده و بدون نیاز به حضور همه ذینفعان به آن رسیدگی می‌نمودند. در واقع به عنوان یک قاعده‌ی کلی، اعضای یک گروه پر جمعیت با واسطه‌ی نماینده خود در دعوا، همگی عضو و طرف دعوا محسوب می‌شدند (Ibid, p.1859).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

طرح دعوا به وسیله دادخواست ویژه (Bill of Peace)، یکی از شیوه‌های اولیه‌ی طرح دعوا از سوی ذینفعان متعدد بوده است. اولین جلوه‌های دکترین دعوای گروهی در آن دسته از دعاوی که به وسیله دادخواست ویژه اقامه می‌شدند ظاهر شد. اکثریت تاریخ‌دانان حقوقی، دعوای گروهی را به عنوان شاخه‌ای منشعب از دادخواست ویژه‌ی مطروحه در قرن 17 در دادگاه‌های چنسری انگلستان می‌دانند. در این دادخواست به تعداد زیادی از خواهان‌ها و خواندگان این امکان داده می‌شد تا مسأله‌ی واحد خود را در یک دعوا نزد دادگاه‌های چنسری طرح کنند. به موجب این شیوه طرح دعوا، خواهان (نماینده) می‌بایست به دادگاه ثابت می‌کرد منعکس‌کننده‌ی تمامی منافع اعضای گروه است، چراکه در نهایت تمامی اعضای گروه ملزم می‌شدند حکم دادگاه را رعایت نمایند (Miller, 2009, p.131).

در مطالعات تاریخی، از دعاوی گوناگون به عنوان اولین دسته از دعاوی گروهی یاد شده است. هر کدام از این دعاوی ویژگی‌های خاصی دارند. باید در نظر داشت، نمونه‌های اولیه‌ی دعوای گروهی به هر دو صورت دعوای گروهی خواهان (دعوای رعایا در مقابل حاکم شهر در رابطه با پرداخت اجاره به پول غیر رایج جزیره، به عنوان مثال دعوای Discart *v*.Otes درخصوص پول رایج جزیره‌ای در جنوب غربی ساحل فرانسه از سوی اهالی جزیره بر علیه حاکم آن Otes Grandison) و دعوای گروهی خوانده (دعوای کشیش در مقابل مردم شهر در رابطه با مالیات، به عنوان مثال دعوای Rector of Barkway *v*.parishioner of Master Martin Nuthampstead که در سال 1199 میلادی، رئیس کلیسای بخش منطقه Nuthampstead به نام Master Martin در مقابل اهالی آن منطقه طرح کرد) اقامه می‌شده است. دعوای گروهی در حقوق انگلستان، به شکل‌گیری این شیوه در حقوق ایالات متحده آمریکا کمک قابل توجهی نموده است. جوزف استوری (Joseph Story). قاضی دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا در سال‌های 1845-1811 به نوعی توسعه‌دهنده‌ی دادخواست ویژه و دعاوی گروهی در حقوق آمریکا محسوب می‌شود. وی بر این باور بود که دادخواست ویژه و سپس دعوای گروهی، ابزاری آسان و کارآمد برای رسیدگی به زیانی است که تعداد زیادی از افراد را تحت تأثیر قرار داده است (Hazard JR, L.Gedid, Sowle, op.cit, p.1878).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

در حقوق آمریکا، رویه‌ی دعاوی گروهی ابتدا در قلمرو انصاف مطرح بود. در سال 1842 میلادی دادگاه عالی آمریکا دومین مجموعه قوانین انصاف فدرال را تصویب کرد. ماده 48 این مجموعه قوانین چنین بیان می‌داشت: «زمانی که تعداد افراد در دعوا، به قدری زیاد است که بدون ایجاد تأخیر و ناسازگاری امکان رسیدگی فراهم نمی‌شود، دادگاه در صورت احراز کفایت تعداد اعضای گروه جهت تأمین منافع خواهان‌ها و یا خواندگان، در حدود صلاحیت خود حضور تمامی اعضا در دادرسی را غیر الزامی اعلام می‌نماید». البته در این شکل از رسیدگی، دادگاه ملزم بود بدون قضاوت‌های تبعیض‌آمیز در مورد حقوق و ادعای افراد غایب حکم دهد (Ibid, pp.1923-24).

در سال 1912 میلادی قانون انصاف فدرال اصلاح شد. به این ترتیب علاوه بر شماره-گذاری مجدد، ماده 48 قانون قبلی و شروط آن کنار گذاشته شد و این مسأله در قالب ماده 38 مطرح شد. ماده 38 قانون انصاف فدرال بیان می‌داشت: «زمانی که موضوع دعوا مسأله‌ی واحد و مشترک تعداد زیادی از افراد است و تعدد، حضور همه آن‌ها را در دادرسی ناممکن می-سازد، یک نفر یا بیشتر می‌تواند از سوی همه، اقدام به دفاع بنماید». در این قانون برای از بین بردن تعارضات، دعاوی گروهی در سه دسته طبقه‌بندی شد:

- طبقه اول آن دسته از دعاوی بود که دادگاه با توجه به یک سرمایه یا مال مشترک بین اعضای گروه، همه‌ی آن‌ها را به نتیجه‌ی دارسی ملزم می‌کرد. تنها در این دعاوی بود که اعضای غایب به حکم دادگاه ملزم می‌شدند و نتیجه‌ی دادرسی به آن‌ها نیز مربوط می‌شد (True Class Suit).
- طبقه دوم آن دسته از دعاوی بود که به دنبال ادعاهای مجزایی که وحدت حکمی و موضوعی داشت، اقامه می‌شد. در این دعاوی، اعضای گروه درصورتی که شخصا به دعوا وارد شده بودند، به نتیجه‌ی حاصل از دادرسی ملزم می‌شدند. ورود به دعوا پس از دادرسی نیز امکان‌پذیر بود (Spurious Class Suit).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

طبقه سوم، دعاوی «Hybird Class Suit» بود که به دنبال ادعاهای مجزا درخصوص یک سرمایه‌ی مشترک یا املاک شکل می‌گرفت و به نوعی دعوایی بین دو نوع پیشین تلقی می‌شد (B.Marcin, 1974, p.5).

در سال 1937 میلادی دادگاه عالی ایالات متحده، قانون آیین دادرسی مدنی فدرال را با ترکیب حقوق و انصاف تصویب نمود. در زمینه‌ی دعوای گروهی، ماده 23 این قانون به عنوان بازنویسی اساسی از ماده 38 انصاف مطرح شد. طبقه‌بندی سه‌گانه‌ای که قبلاً درخصوص دعاوی گروهی وجود داشت، به حیات خود ادامه داد. این قانون در مورد عدم تصمیم‌گیری نسبت به ابلاغ‌های صورت گرفته به اعضای گروه و امکان خروج از دعوا، سردرگمی‌هایی را پدید آورد. در سال 1966 میلادی ماده 23 قانون آیین دادرسی فدرال، مورد بازنگری قرار گرفت و تغییرات اساسی در آن رخ داد. در این ماده قانونی، طبقه‌بندی سه‌گانه دعاوی گروهی کنار گذاشته شد و دعاوی گروهی با شرایط جدید دسته‌بندی گردید. بر مبنای این قانون، برای طرح دعوا به صورت گروهی رعایت تمام شرایط طرح شده در بند (a) و یکی از شرایط مطروحه در بند (b) ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال الزامی شد.

ماده 23 از سال 1966میلادی تا سال 1998 تغییر چندانی نداشت. در سال 1998 دادگاه عالی یک بند فرعی به ماده 23 اضافه نمود. موضوع این بند اجازه تجدیدنظرخواهی از تصمیم‌های تأیید یا رد دعوای گروهی بود و اصلاحات بعدی نیز جنبه‌ی ماهوی نداشت. امروزه، می‌بایست مقررات مرتبط با دعوای گروهی را در ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال (در ارتباط با شرایط لازم اقامه‌ی دعوای گروهی) و همچنین در بخش 114 از بخش 28 مجموعه قوانین ایالات متحده جست‌وجو کرد (Chapter 114,TITLE 28 U.S. Code).

در سال 2005 میلادی قانونی تحت عنوان «Class Action Fairness Act» در زمینه‌ی دعاوی گروهی تصویب شد. به موجب این قانون، برخی مواد بخش 114 از بخش 28 مجموعه قوانین ایالات متحده، در رابطه با دعوای گروهی اصلاح شد. در این قانون علاوه بر طرح اعلامیه‌ی حقوق مصرف‌کننده، دامنه‌ی صلاحیت دادگاه‌های فدرال در مورد دعاوی گروهی گسترده‌تر از پیش شد. از دهه 1990 دادگاه‌های فدرال، برخورد سختگیرانه‌ای درخصوص

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

پذیرش دعاوی گروهی اعمال می‌کردند. این امر موجب تمایل وکلای خواهان به دادگاه‌های ایالتی شد. نتیجه‌ی حاصل از اصلاحات قانون Class Action Fairness Act (CAFA) نیز موجب شد به علت سختگیر بودن دادگاه‌های فدرال در پذیرش دعاوی گروهی، خواندگان تعداد زیادی از دعاوی گروهی را به دادگاه‌های فدرال منتقل کنند (Sherman, 2007, p.4).

طبق قانونCAFA، اصلاحات صورت گرفته عطف به ماسبق نمی‌شود. آخرین اصلاح ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال نیز در سال 2009 میلادی درخصوص تجدیدنظرخواهی از حکم پذیرش یا رد دعوای گروهی صورت گرفت. بر مبنای این اصلاحیه، مقرر شد درخواست تجدیدنظرخواهی 14 روز پس از صدور حکم تنظیم شود تا مورد پذیرش قرار گیرد (Rule 23 Federal Civil Procedure Rule 2009).

ب- تعریف دعوای گروهی

به طور معمول یکی از شایع‌ترین شیوه‌های دادخواهی، طرح دعوا از سوی یک خواهان علیه یک خوانده است. در اغلب موارد، اقامه‌ی دعوا فرصتی برای طرح دلایل خواهان محسوب می‌شود؛ اما طرح دعاوی انفرادی در مواردی منجر به صدور احکام متفاوت و متعارض می‌شود. این احکام متعارض، موجب تقلیل احترام عمومی نسبت به دستگاه قضایی خواهد شد. از سوی دیگر، طرح دعوا از سوی افراد متعدد، هزینه‌های گوناگونی از قبیل هزینه‌های تحقیق و بررسی مدارک و مستندات، استخدام وکیل و کارشناس و غیره به دنبال دارد. مطابق قوانین آمریکا، هر طرف دعوا متعهد است هزینه‌های مرتبط با دادرسی خود را پرداخت کند. تحمل این هزینه‌ها درصورتی که خواسته‌ی خواهان ارزش زیادی نداشته باشد، انگیزه‌ی وی را برای طرح دعوا به صورت فردی کاهش می‌دهد (Anderson, Trask, 2010,p.3).

در دعاوی گروهی، احقاق حق تعداد زیادی از افراد، تنها با اجتماع افرادی برای اقامه‌ی دعوا در دادگاه صورت نمی‌گیرد، بلکه نمایندگی تعدادی از آن‌ها از سایر اعضای گروه زمینه را برای رسیدگی مؤثر فراهم می‌سازد. در واقع آن‌چه در فهم دعاوی گروهی نباید از نظر دور داشت، مفهوم نمایندگی در ماهیت این دعاوی است (Rubenstein, op.cit, p.2).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

همان‌طور که ریشه‌های تاریخی موضوع نشان می‌دهد دعاوی گروهی بیشتر از این‌که ابزار طرح دعوای جمعی تلقی شوند، راهی برای طرح دعوا به صورت نمایندگی هستند. الزام تمام اعضای مشخص و نامشخص گروهِ نمایندگی به عنوان یکی از تشریفات قانونی، زمانی تحقق می‌یابد که منافع اعضای نامشخص در دعوا به گونه‌ای بسنده توسط کسانی که در دعوا شرکت دارند تأمین و ارائه شود. در واقع عنصر نمایندگی در دعوای گروهی امکان بار شدن نتیجه‌ی دادرسی را بر اعضای غایب گروه فراهم می‌کند. نمایندگی و جمعی بودن تنها عناصر انحصاری دعاوی گروهی محسوب نمی‌شوند اما، دعاوی گروهی تنها نمونه‌ی دعوای جمعی هستند که به عنوان بخشی از تشریفات قانونی، نیازمند نمایندگی کافی از ادعاهای اعضای آن گروه است (Lyn Basset,2007,p.1417).

در مقدمه قانون منصفانه دعوای گروهی مصوب سال 2005 میلادی دعوای گروهی این‌گونه توصیف شده است: «دعاوی گروهی با فراهم آوردن زمینه‌ی اجتماع ادعاهای افراد متعدد، در یک دعوای واحد علیه خوانده‌ای که ظاهراً موجب ورود ضرر شده، بخش مهم و ارزشمند سیستم قضایی محسوب می‌شوند». در این قانون مفهوم «گروه» به تمام اعضایی که در یک دعوای گروهی حضور دارند، اطلاق شده است. همچنین دعوای گروهی به معنای «هر دعوای مدنی که طبق ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، در دادگاه بخش اقامه شود و یا هر دعوای مدنی، که ابتدائاً بر مبنای یک قانون ایالتی یا رویه‌ی قضایی که امکان طرح دعوا از سوی یک یا چند نماینده به عنوان دعوای گروهی را فراهم آورده اقامه شود و سپس به دادگاه بخش برده شود» دانسته شده است. اعضای گروه نیز، افرادی هستند که به صورت مشخص یا نامشخص، مشمول مفهوم گروه پیش‌نهاد شده یا پذیرفته شده در دعوای گروهی، شمرده می‌شوند (Class Action Fairness Act, 2005, p.5).

دعوای گروهی در دو قالب دعوای گروهی خواهان و دعوای گروهی خوانده مطرح می‌شود. اقامه‌ی دعوای گروهی خوانده به ندرت اتفاق می‌افتد. بنابراین، تحلیل‌ها بیشتر حول محور دعاوی گروهی خواهان صورت می‌گیرد. دعاوی گروهی خواهان، از سوی تعداد زیادی از افراد علیه یک یا چند خوانده مطرح می‌شود. دعاوی گروهی خوانده، از سوی یک

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

خواهان، علیه تعداد زیادی از خواندگان که بر مبنای یک نظریه یکسان حقوقی، متخلف شناخته می‌شوند اقامه می‌شود. دعاوی گروهی خوانده و خواهان از پیشینه‌ی حقوقی یکسانی برخوردار هستند و هر دو مبتنی بر قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال اقامه می‌شوند. این دعاوی پس از اصلاحات ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال در سال 1966 از نظم بهتری برخوردار شده‌اند (X.Shen, 2010, p.79).

گفتار دوم- اقسام دعوای گروهی

در این گفتار مهم‌ترین اقسام دعاوی گروهی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. البته باید اضافه نمود، دعاوی گروهی ممکن است به صورت ترکیبی از این اقسام طرح شوند.

الف- دعاوی گروهی اوراق بهادار (Securities Class Action)

در این قسم از دعاوی گروهی یک سهام‌دار از سوی گروهی از سهام‌داران، شرکتی را به دلیل اعمال نادرست مدیریتی، که منجر به سقوط ارزش سهام و ورود ضرر به سهام‌داران شده مورد تعقیب قرار می‌دهد. این اعمال نادرست، معمولاً شامل هر ادعای کذب یا امتناع از ارائه‌ی اطلاعات درخصوص حوادثی است که ارزش سهام شرکت را تحت تأثیر قرار داده است. دعاوی گروهیِ مرتبط با سهام، معمولاً دربردارنده‌ی ادعاهایی نسبت به روش‌های نادرستی است که مدیران شرکت‌ها برای پنهان ساختن عملکرد ضعیف شرکت به کار می‌برند تا از این طریق ارزش سهام را به صورت غیر واقعی بالا نشان دهند. در این موارد، هنگام آشکار شدن حقیقت، ارزش سهام از بالاترین سطح خود به کم‌ترین سقوط می‌کند (Driggers, 1973-1974, p.258).

اعمال یکسان آثار دعوا نسبت به تمام اعضای گروه موجب گردیده این قسم از دعاوی گروهی آسان‌تر از سایر اقسام آن مورد پذیرش دادگاه قرار گیرد (Anderson,Trask,op.cit,p.56).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

ب- دعاوی گروهی کارگری/استخدامی (Labor/Employment Class Action)

این نوع از دعاوی گروهی، روش‌ها و سیاست‌های کارفرما از قبیل تبعیض و یا عدم پرداخت حقوق و سود که به گروه خاصی از کارگرها ضرر وارد نموده را به چالش می‌کشد. این تبعیض‌ها در حوزه‌های مربوط به سن، نژاد، جنسیت، ملیت و مذهب اتفاق می‌افتد. اغلب دعاوی که اخیرا در این قلمرو طرح شده، در ارتباط با حقوق و ساعات کاری بوده که خواهان مدعی عدم دریافت حقوق متناسب با ساعات واقعی کار شده است. برخی از این دعاویِ گروهیِ کارگری، به دلیل نقض قانون‌هایی مانند قانون استانداردهای منصفانه‌ی کار (Fair Labor Standards Act) اقامه می‌شوند. به موجب این قانون، کارگران می‌بایست حداقلی از حقوق را دریافت کنند و درصورتی که در موقعیت مشابه با عدم دریافت حقوق مکفی مواجه شوند، به آن‌ها اجازه‌ی طرح دعاوی دسته‌جمعی (Collective Action) نیز داده می‌شود. مراتب پذیرش این دعاوی با دعاوی گروهی موضوع ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال، تا حدودی متفاوت است. پذیرش دعوا مطابق این قانون، در دو مرحله صورت می‌گیرد؛ نخست دادگاه بر مبنای ادعاها تصمیم می‌گیرد تا اقامه‌ی دعوا را، به سایر اعضای گروه ابلاغ کند یا خیر. برای اتخاذ این تصمیم دادگاه وجود کارگران دیگری که بخواهند به گروه بپیوندند و این‌که آیا اصلاً کارگران دیگری در موقعیت مشابه خواهان وجود دارند یا خیر را مورد توجه قرار می‌دهد. در مرحله‌ی بعد، اگر دادگاه تصمیم گرفت که به خواهان‌های بالقوه‌ی دیگر، اقامه‌ی دعوا را ابلاغ نماید، به آن‌ها فرصت ورود به دعوا (و نه خروج) می‌دهد. زمانی که خواهان‌های دیگر به دعوا بپیوندند دعوا آغاز می‌گردد. دعاوی گروهی کار، حول محور اعمال خوانده می‌چرخد و خواهان به دنبال اثبات این امر است که، رفتار یا سیاست اعمال شده توسط خوانده تعداد زیادی از مستخدمین را در شرایط واحد، تحت تأثیر قرار داده است. از سویی دیگر، خوانده در صدد اثبات این امر است که، با هرکدام از خواهان‌ها به گونه‌ای متفاوت رفتار شده و این امر از سیاستی واحد سرچشمه نگرفته است. طرح دعوا در این حوزه، در سال‌های اخیر روند افزایشی داشته است (Ibid, pp.57-59).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

ج- دعاوی گروهی ناشی از مسئولیت تولیدکننده (Product Liability Class Action)

در این شکل از اقامه‌ی دعاوی گروهی، مصرف‌کننده تولیدکننده را به علت ارائه‌ی محصولی معیوب در بازار مورد تعقیب قرار می‌دهد. عیب مورد ادعا، ممکن است در طرح کار یا روند تولید به وجود آمده باشد. پذیرش این قسم از دعاوی گروهی، حول محور رابطه‌ی سببیت و خسارت می‌چرخد. خواهان به دنبال اثبات این امر است که عیب کالا موجب ورود خسارت به اعضای گروه شده، در حالی که خوانده بر این امر به عنوان دفاع اصرار می‌ورزد که تفاوت در طرح و تولید و ابزارهای مورد استفاده، رابطه سببیت و خسارت را در رابطه با همه‌ی گروه اثبات نمی‌کند. این قسم از دعاوی گروهی در دهه 1990 و اوایل سال 2000 میلادی مشهور بودند. اما، امروزه به این دلیل که دادگاه‌ها، رابطه‌ی سببیت بین محصول و ضرر وارده را بین همه‌ی اعضای گروه به دشواری احراز می‌کنند، به سختی مورد پذیرش قرار می‌گیرند. خواهان‌هایی هم که هنوز در این قالب به طرح دعوای گروهی می‌پردازند، ادعاهای خود را در قالب پنهان کردن متقلبانه‌ی اطلاعاتی که به لحاظ قانون یا اخلاق می‌بایست منتشر شود، نقض تعهدات و نقض قرارداد طرح می‌کنند (Ibid, p.59).

در خصوص عدم پذیرش این دعاوی، برخی قضات بر این باورند که در مواردی مثل مرگ و آسیب‌های شدید، باید به خواهان‌ها اجازه داد که شخصاً بر روند دادرسی و دعوای خود نظارت داشته باشند. این دسته از دعاوی، پر چالش‌ترین نوع در دعاوی گروهی است. اقامه‌ی دعوا در این موارد به صورت فردی قابل توجیه است اما، طرح آن به صورت گروهی به دلیل تشابه موضوع مؤثرتر و کارآمدتر به نظر می‌رسد. همچنین درصورتی که خوانده، دارایی کافی برای پرداخت خسارت وارده را نداشته باشد، انصاف حکم می‌کند که دعوا به صورت گروهی اقامه شود تا دارایی موجود بین خواهان‌ها تقسیم شود (Solheim, Hornbrook, 2013, p.4).

د- دعاوی گروهی ناشی از فریب مصرف‌کننده (Consumer Fraud Class Action)

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

برخورداری از کالا و خدمات سالم با کیفیت مناسب و عاری از عیوب و خطرات، از ابتدایی‌ترین حقوق مصرف‌کنندگان محسوب می‌شود. مصرف‌کننده در دنیای پیچیده تولید، در بسیاری از موارد از ترکیبات کالا و طرز استفاده از آن، اطلاعاتی در دست ندارد و چه‌بسا در روند تولید کالایی معیوب ساخته شود و مصرف‌کننده با استفاده از آن دچار زیان و خسارت شود. از سوی دیگر پیش‌رفت صنایع و پیچیدگی نظام تولید، مصرف‌کننده را در مقابل این روند بی‌دفاع می‌سازد (صالحی، ابراهیمی،1391، ص62). از این رو، اجازه‌ی طرح دعاوی گروهی در این قلمرو نقش مهمی در حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و برقراری تعادل ایفا می‌کند.

در این شکل از دعاوی گروهی، خواهان مدعی است به وسیله یک اظهار فریب‌دهنده‌ی مثبت یا عدم ارائه‌ی اطلاعات مهم توسط خوانده، گمراه شده و این امر موجب متضرر شدن خواهان یا پرداخت مبلغی بیش از مبلغ واقعی شده است. فریب مصرف‌کننده تنها در بخش صنعت رخ نمی‌دهد، بلکه در هر قلمرو دیگری نیز امکان دارد. این شکل از دعاوی به علت رواج سودجویی شرکت‌های بزرگ از بی‌اطلاعی مصرف‌کنندگان، بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند. مضافاً این‌که، افراد معمولاً پول کافی برای اقامه‌ی دعوا به صورت انفرادی را در اختیار ندارند و سازمان‌های حمایت از مصرف‌کنندگان نیز از منابع کافی برای پیگیری همه‌ی ادعاها برخوردار نیستند. از این رو دعاوی گروهی توانستند در این میان نقش خود را به خوبی ایفا نمایند. مهم‌ترین محور بحث دعاوی فریب مصرف‌کننده، مبتنی بودن عمل مصرف‌کننده بر فریب و تدلیس تولیدکننده است. در بسیاری از دادگاه‌ها درصورتی که در دعوای گروهی، تدلیس مسأله فردی باشد و نتوان آن را به تمام اعضای گروه تسری داد، دعوای گروهی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. از این رو خواهان‌ها به طرح ادعاهای خود بر مبنای عواملی مانند نقض قرارداد یا نقض تعهدات و ضمانت می‌پردازند. در دعاوی گروهی مصرف‌کننده، خواهان‌ها به دنبال طرح دعوا بر مبنای یک آسیب شخصی نیستند، بلکه بر عمل تولیدکننده مبتنی بر تبلیغات دروغ و قلب واقعیت در مورد محصولات خود تکیه دارند (Anderson,Trask, op.cit, p.59).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

حقوق کامن‌لا درخصوص تدلیس بر این مبنا استوار است که تدلیس تولیدکننده، محرک فرد آسیب‌دیده برای خرید محصول بوده است. از آن‌جایی که مجموعه‌ای از عوامل متعدد، می‌تواند بر تصمیم اعضای گروه برای خرید تأثیر بگذارد، اثبات این رابطه بین تدلیس تولیدکننده و خرید محصول به امری فردی و اختصاصی نسبت به هر کدام از اعضای گروه تبدیل می‌شود و این امر پذیرش دعوای گروهی را، مطابق ماده 23 قانون آ.د.م. فدرال دشوار می‌سازد. البته به تازگی دادگاه‌ها برای تسهیل پذیرش این دعاوی، سعی کرده‌اند این معیار را با انعطاف بیشتری مورد ارزیابی قرار دهند (Scheuerman, 2006, pp.2-3).

دعاوی گروهی مصرف‌کننده، اغلب بر مبنای نقض قرارداد یا ضمانت، وجود عیب در کالا یا خدمات و نقض قوانین حمایت از مصرف‌کننده ایالتی اقامه می‌شوند. اما باید توجه داشت که این دعاوی در برخی موارد، به علت تفاوت‌های زیادی که بین اعضای گروه در انعقاد قرارداد، خرید محصولات، چگونگی ارائه خدمات به آن‌ها و یا چگونگی آسیب وارده به مصرف‌کننده وجود دارد، از سوی دادگاه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند و به نتیجه نمی‌رسند. در این دعاوی، قضات برای تصمیم‌گیری بهتر باید بین حمایت از مصرف‌کننده، در مقابل اعمال متقلبانه شرکت‌ها و از سوی دیگر حمایت از کسب و کار و تجارت شرکت‌ها، تعادل برقرار سازند. در دهه‌های اخیر، دعاوی گروهی مصرف‌کننده، به علت رشد و گسترش فروش محصولات از طریق تلفن و ایمیل و اینترنت، رونق زیادی پیدا کرده است. از سوی دیگر، قوانین حمایت از مصرف‌کننده در ایالات مختلف نیز نقش مؤثری در افزایش روند اقامه این دعاوی داشته است (Sherman, op.cit, p.5).

عدم ارائه اطلاعات لازم و فریب مصرف‌کننده در حقوق ایران نیز مورد توجه زیادی قرار گرفته است. از آن‌جایی که یکی از اهداف اصلی حقوق، ایجاد تعادل در قرارداد و حمایت از طرف ضعیف است، در حقوق بسیاری از کشورها به دنبال حمایت از مصرف‌کنندگان و برقراری تعادل بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگانی که در موضع ضعیف‌تری قرار دارند، تئوری تعهد به ارائه‌ی اطلاعات در این قلمرو مطرح شد. تعهد به ارائه‌ی اطلاعات در مفهوم کلی خود با اصل حسن نیت حاکم بر قراردادها پیوند خورده‌است. تعهد به ارائه‌ی اطلاعات، از

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

لحاظ اخلاقی بر پایه‌ی ضرورت رعایت اصل حسن نیت در هنگام مذاکرات پیش از انعقاد، مرحله انعقاد و اجرای قرارداد استوار است. در قوانین کلاسیک داخلی ایران راجع‌به تعهد به ارائه‌ی اطلاعات صریحاً قاعده‌گذاری نشده است. با وجود این، مبانی این تعهد را می‌توان با مواردی مانند تسلیم مبیع، مطابقت کالا با قرارداد، مسئولیت محض و ممنوعیت تبلیغات خلاف واقع استنباط کرد. بر مبنای دو اصل مذکور، تولیدکنندگان متعهد می‌گردند اطلاعات لازم را در ارتباط با کالاها و خدمات ارائه شده، در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند و درصورت پنهان ساختن اطلاعات و یا فریب مصرف‌کنندگان مسئول شناخته می‌شوند (صالحی، ابراهیمی، پیشین، ص62).

در برخی از قوانین ایران، اظهارات خلاف واقع در مواردی جرم و برای آن ضمانت اجرای کیفری مقرر شده‌است. ماده 34 قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مقرر داشته؛ تولیدکنندگان موظفند برچسب اطلاعاتی بر روی کلیه‌ی محصولات و فرآورده‌های تولیدی الصاق نمایند و شماره‌ی پروانه ساخت و مهلت اعتبار مصرف را درج کنند. تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازات محکوم می‌شود.

ماده 33 قانون تجارت الکترونیک نیز ارائه‌ی اطلاعات مؤثر در تصمیم‌گیری را از وظایف فروشندگان و ارائه‌کنندگان خدمات دانسته است و در ماده 69 مجازات متخلفین را پرداخت جزای نقدی معادل ده تا پنجاه میلیون ریال تعیین کرده است. البته توجه به این نکته ضروری می‌نماید که در این قانون با هدف حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و سازماندهی و ضابطه‌مند کردن تبلیغات تجاری و بازاریابی در محیط تجارت الکترونیک، اعمالی جرم‌انگاری شده‌اند. مقنن در این قانون سعی نموده تا حمایت از قواعد تدوین شده را با استفاده از ضمانت اجراهایی که در حقوق کیفری در اختیار دارد، امکان‌پذیر سازد.

بند 2 ماده 3 قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز مقرر داشته، عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگان مکلفند اطلاعاتی شامل نوع، کیفیت، کمیت، آگاهی‌های مقدم بر مصرف، تاریخ تولید و انقضای مصرف را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند. در ماده 19 همین قانون ضمانت اجرای تخلف از این امر درصورت ورود خسارت، علاوه بر جبران خسارت، جزای نقدی حداکثر معادل دو برابر خسارت وارده تعیین شده است. در ماده 5 قانون

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

مقررات امور پزشکی و دارویی، مواد خوردنی و آشامیدنی نیز انتشار آگهی تبلیغاتیِ گمراه‌کننده توسط مؤسسات پزشکی و دارویی جرم دانسته شده و جزای نقدی و حبس برای آن پیش‌بینی شده است. به موجب تبصره 2 ماده 17 قانون نظام صنفی نیز تبلیغات خلاف واقع از سوی واحدهای صنفی ممنوع دانسته شده و برای مجازات آن جزای نقدی تعیین شده است.

در قوانین ایران دعوای ناشی از فریب مصرف‌کننده مورد شناسایی قرار گرفته است، اما از آن‌جایی که طرح دعاوی گروهی در حقوق ایران پیش‌بینی نشده، در این قلمرو نیز امکان طرح چنین دعوایی به صورت گروهی وجود ندارد.

هـ- دعاوی گروهی ضد انحصار (Antitrust Class Action)

در این شکل از دعاوی گروهی، خواهان یک بنگاه اقتصادی و شرکت را به دلیل تبانی برای تثبیت قیمت‌ها یا مشارکت در رفتارهای ضد رقابتی که منجر به تورم غیر واقعی قیمت محصولات شده، مورد تعقیب قرار می‌دهد. این دعاوی از این جهت قابل توجه هستند که هر چند خسارت وارد شده بیشتر جنبه‌ی فردی داشته باشد، دادگاه‌ها مسئولیت خوانده را به همه‌ی گروه تسری می‌دهند. در واقع ماهیت پیوسته‌ی این دعاوی پذیرش آن‌ها را توجیه نماید (Driggers, op.cit, p.257).

دو بحث اصلی در رابطه با دعاوی گروهی ضد انحصار مطرح می‌شود. اولین بحث به این امر می‌پردازد که آیا خواهان می‌تواند ثابت کند رفتار ضد رقابتی خوانده، بر تمام گروه تأثیر گذاشته است؟ دیگر این که مفهوم بازار مرتبط، در این دعاوی از اهمیت زیادی برخوردار است. خواهان خسارت ناشی از رفتارهای ضد رقابتی و بازار مرتبط را به گونه‌ای تعریف می‌نماید که امکان طرح ادعاهای خود در رابطه با همه‌ی گروه را داشته باشد. اما خوانده به دنبال این است تا رفتارهای متفاوت خریداران را در بازار مربوط، که منجر به ورود ضرر به آن‌ها شده، فردی تلقی کند و قابل انتساب و تسری به گروه نداند (Anderson,Trask, op.cit,p.60).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

و- دعاوی گروهی زیست‌محیطی (Enviromental Class Action)

در این شکل از دعاوی گروهی، خوانده به دلیل آلوده ساختن محیط زیست مانند آلوده کردن منابع آب‌های زیرزمینی توسط کارخانه‌ای که ضایعات خود را وارد حوزه آب‌های زیرزمینی نموده مورد تعقیب قرار می‌گیرد. در این نوع از دعاوی گروهی، ادعا می‌شود آلودگی هوا، صدا و آب که از منشاء واحدی سرچشمه گرفته، منجر به آسیب‌های جانی به افراد و تخریب اموال شده است. در این قلمرو معمولاً غفلت، تجاوز و تعرض، مزاحمت و تعدی از قوانین محیط زیست فدرال و ایالتی به عنوان دلیل ادعای افراد مورد استناد قرار می-گیرد. دعاوی گروهی زیست‌محیطی، حول محور قابلیت اثبات و رابطه‌ی سببیت می‌چرخد. خواهان به دنبال اثبات این امر است که یک حادثه یا روش رفتاری منجر به ورود خسارت به گروهی از افراد شده است. خوانده نیز از سوی دیگر، مدعی است تعیین رابطه‌ی سببیت بین رفتار وی و خسارت وارد شده، منجر به ایجاد مسائل فردی زیادی می‌شود که قابلیت تسری به گروه ندارد، به همین دلیل نمی‌توان در قالب گروهی آن را مورد رسیدگی قرار داد (Ibid,p.61).

مبحث دوم- سایر طرق اجتماع افراد در دعاوی

اگرچه دعوای گروهی شناخته‌شده‌ترین شکل طرح دعوا از سوی تعداد زیادی از افراد است که از حادثه‌ای متضرر شده‌اند، اما اقسام متعدد دیگری از شیوه‌های طرح دعوا به صورت دسته‌جمعی (Methods of Aggregating Parties) در حقوق فدرال آمریکا وجود دارد. در این‌جا برجسته‌ترین اشکال طرح دعاوی جمعی در حقوق فدرال آمریکا و حسب مورد، طرق مشابه در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرارخواهد گرفت.

الف- دعاوی جمعی ((Joinder (Rule 20)

به لحاظ ماهیتی، ساده‌ترین شکل تجمیع ادعاهای افراد، تنها بهم پیوستن افراد به موجب یک دادرسی است. در قانون آیین دادرسی مدنی فدرال، دعاوی جمعی به دو صورت طرح می‌شوند: اجتماع ادعاها (Joinder of Claims) و اجتماع افراد (Joinder of Parties).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

به موجب ماده 18 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال ایالات متحده آمریکا که به اجتماع ادعاها پرداخته، خواهان امکان طرح ادعاهای مختلف نسبت به یک خوانده را در یک دعوا پیدا می‌کند و با در کنار هم قرار دادن تمامی ادعاهای مرتبط با خوانده، دعوا را طرح می‌نماید. در این‌جا قانون، وجود هیچ اشتراک قانونی و ماهوی را بین ادعاها شرط ندانسته و بلکه تنها می‌بایست این ادعاهای متعدد از سوی یک خواهان علیه‌ی یک خوانده طرح شود. در ماده 20 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال ایالات متحده آمریکا، شرایط اجتماع افراد علیه خوانده واحد مطرح شده است. بر مبنای مقررات مندرج در ماده 20 یادشده خواهان‌ها «درصورتی می‌توانند در یک دعوا به عنوان خواهان علیه یک خوانده بهم بپیوندند که حق خود را مجتمعاً در رابطه با یک معامله، حادثه یا مجموعه‌ای از حوادث و معاملات استیفا کنند و جهات حکمی یا موضوعی مشترکی، بین خواهان‌ها در رابطه با دعوا وجود داشته باشد» (Rule 18,20 Federal Rules of Civil Procedure).

در واقع فایده اصلی طرح دعوا به صورت جمعی، در مقایسه با دعاویی که از سوی یک فرد اقامه می‌شود، امکانی است که برای افراد جهت استفاده بهتر از منابع خود در جهت پیش‌برد دعوا فراهم می‌آورد. همچنین، هر یک از خواهان‌ها بر مطالبات و ادعاهای خود کنترل کامل دارند و نقش مؤثری در اتخاذ تصمیمات ایفا می‌نمایند. در دکترین حقوقی، محدودیتی از جهت تعداد افرادی که می‌توانند در یک دعوا با یکدیگر متفاقاً شرکت داشته باشند، وجود ندارد. دعاوی جمعی، کاستی‌هایی را نیز به همراه دارند. از آن‌جایی که هر یک از خواهان‌های دعوا در روند دادرسی نقش مستقلی ایفا می‌کنند، برای تمامی تصمیم‌گیری‌ها باید مذاکره صورت گیرد. این مذاکرات نوعاً به سادگی صورت نمی‌گیرد و بدون هزینه نیز نخواهد بود. هر چه تعداد افراد بیشتری در دعوا بهم بپیوندند، پیچیدگی بیشتری حاصل می‌شود و تصمیم-گیری را برای دادگاه دشوارتر می‌سازد (Anderson,Trask, op.cit, p.5). پس از حل و فصل دعوا فقط اعضایی که در دعوا مشخص (Named Parties) هستند و به آن پیوسته‌اند به پذیرش حکم دادگاه ملزم می‌شوند. توجه به این نکته ضروری است که در دعاوی غیر از دعوای گروهی، دادگاه تنها افراد مشخص را مشمول حکم خود قرار می‌دهد و این در حالی

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

است که در دعاوی گروهی همه‌ی گروه به استثنای آن‌هایی که از دعوا خارج شدند مشمول حکم قرار می‌گیرند.

در نظام حقوقی ایران نیز امکان اجتماع افراد برای اقامه‌ی دعوا و مطالبه‌ی حق تضییع شده خود درخصوص حادثه‌ی واحد وجود دارد. ماده 65 قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «اگر به موجب یک دادخواست دعاوی متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط کامل نداشته باشند و دادگاه نتواند ضمن یک دادرسی به آن‌ها رسیدگی کند، دعاوی اقامه شده را از یکدیگر تفکیک و به هر یک در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی می‌کند و در غیر این صورت نسبت به آن‌چه صلاحیت ندارد با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌نماید».

از این ماده استنباط می‌شود که هرگاه دو یا چند دعوا از یک منشاء تولید شده باشد یا بین آن‌ها ارتباط کامل موجود باشد و به موجب یک دادخواست یا درخواست اقامه شوند، مرجع رسیدگی مکلف است به آن دعاوی در یک دادرسی به طور توأمان رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.

ب: دعوای ورود ثالث (Intervention (Rule 24

طرح دعوا به صورت جمعی که توضیح داده شد، تنها روش اجتماع افراد برای اقامه‌ی دعوا نیست. مطابق قانون، ذینفع می‌تواند با عنوان ثالث به دعوایی که بین دو طرف دیگر مطرح است و حقوق وی را تحت تأثیر قرار داده وارد شود. ماده‌ی 24 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال به دو صورت اجازه‌ی ورود افراد به دعوا را داده است:

«ورود ثالث (Intervention of Right)

دادگاه تنها به فردی در وقت مقرر اجازه‌ی ورود به دادرسی را می‌دهد که:

- به موجب یک قانون فدرال، حقی غیر مشروط برای ورود به دعوا داشته باشد.
- مدعی منفعتی در مورد مال یا معامله‌ی موضوع دعوا باشد و دعوای مطروحه، توانایی وی را برای دفاع از حقوقش کاهش دهد یا از بین ببرد، مگر این‌که طرفین حاضر در دعوا به طور کافی منافع وی را تأمین کنند.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

ورود ثالث با اجازه دادگاه (Permissive Intervention)

به طور کلی دادگاه در وقت مقرر به فردی اجازه‌ی ورود به دادرسی را می‌دهد که:

- به وسیله‌ی قوانین فدرال یک حق مشروط برای ورود به دعوا داشته باشد.
- ادعا یا دفاع او به لحاظ موضوعی یا حکمی با دعوای مطروحه اشتراک داشته باشد».

در نوع اول (ورود ثالث)، فرد درصورتی که به موجب قانون فدرال حق غیر مشروطی برای ورود به دعوا داشته باشد و همچنین مدعی منفعتی مرتبط با موضوع دعوا باشد که درصورت عدم ورود به این دادرسی احتمال ضایع شدن حق وی به علت عدم حمایت کافی از آن توسط طرفین حاضر در دادرسی، وجود داشته باشد، می‌تواند به دعوا در قالب ثالث وارد شود. در نوع دوم (ورود ثالث با اجازه‌ی دادگاه)، ورود ثالث بستگی به صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده دارد. درصورتی که فرد حقی مشروط برای ورود به دعوا داشته باشد و ادعا و یا دفاع وی به لحاظ حکمی یا موضوعی با دعوای مطروحه اشتراک داشته باشد، اجازه‌ی ورود به دادرسی را پیدا می‌کند. ورود ثالث زمانی امکان‌پذیر است که، سرمایه‌ی محدود یا حقی غیر قابل تقسیم و تفکیک در دعوا وجود داشته باشد و بتوان حقی عینی را در نتیجه‌ی دعوا برای وارد ثالث تصور نمود. دعوای وارد ثالث موجب صرفه‌ی اقتصادی برای دستگاه قضایی است، موارد مربوط به هم را در یک دادرسی حل و فصل می‌نماید و از ناتمام ماندن دادرسی جلوگیری به‌عمل می‌آورد (Anderson,Trask, op.cit, p.7).

ورود ثالث به دعوایی که حقوق وی را تحت تأثیر خود قرار داده امری است که در حقوق ایران نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. مواد 130 تا 134 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 1379 به مبحث «ورود شخص ثالث» اختصاص یافته است. ماده 130 این قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذینفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد چه این که رسیدگی در مرحله‌ی بدوی باشد یا در مرحله‌ی تجدیدنظر. در این صورت

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

نام‌برده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آن‌جا مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلام نماید».

برای اقامه‌ی دعوای ورود شخص ثالث در حقوق ایران می‌بایست قبلاً دعوایی تحت عنوان دعوای اصلی میان خواهان و خوانده مطرح و در جریان رسیدگی باشد، و شخص ثالث صرفاً مدعی استحقاق حقی در موضوع دعوای اصلی جهت خویش شود. دعوای ورود شخص ثالث زمانی اصلی محسوب می‌شود که شخص ثالث در موضوع دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد. در مقابل چنان‌چه ثالث خود را در محق شدن یکی از طرفین دعوای اصلی ذینفع بداند، دعوای ورود شخص ثالث «تبعی» خواهد بود.

ج- ادغام دعاوی مجزا ((Consolidation (Rule 42)

باید توجه داشت که تنها طرفین دعاوی نیستند که در قالب‌های مختلف در یک دعوا بهم می‌پیوندند. دادگاه‌های فدرال نیز می‌توانند دعاوی مرتبط مطرح شده را با یکدیگر ادغام نمایند و مورد رسیدگی توأمان قرار دهند. ماده 42 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال، درخصوص ادغام دعاوی مجزا این‌گونه بیان می‌دارد:

«اگر دعاوی مطرح شده در محضر دادگاه به لحاظ حکمی یا موضوعی اشتراکاتی داشته باشند، دادگاه می‌تواند:

- مسائل مورد بحث در دعاوی را برای بررسی مقدماتی یا محاکمه اصلی با یکدیگر ادغام نماید.
- دعاوی طرح شده را با یکدیگر ادغام نماید.
- برای اجتناب از هزینه‌ها و تأخیرهای غیر ضروری درخصوص دعاوی مجزا به صورت یک‌جا تصمیم‌گیری نماید.

ادغام، لزوماً تا پایان رسیدگی به دعاوی نیز ادامه نمی‌یابد. زمانی که دادگاه درخصوص مسأله‌ی مشترک تصمیم‌گیری نمود، دعاوی ادغام شده را از یکدیگر تفکیک می‌کند» (Trask, op.cit, p.8). از آن‌جایی که این ادغام‌ها، در حوزه‌ی صلاحیت دادگاه‌ها صورت

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

می‌گیرد، هر کدام از طرفین دعوا می‌توانند این امر را به دادگاه پیش‌نهاد بدهند. ادغام دعاوی حقوق طرفین دعوا را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و هر کدام از طرفین باید دلایل و مستندات خود را مستقلاً ارائه نمایند. اگرچه ادغام دعاوی برای تسهیل روند اجرا و کم‌هزینه‌تر شدن دادرسی مجاز دانسته شده، اما به وسیله این ادغام، دعاوی به یک دعوای واحد تبدیل نمی‌شوند و حقوق طرفین دعوا را تغییر نمی‌دهند.

قانون‌گذار ایرانی در ماده 103 قانون آیین دادرسی مدنی به دعاوی مرتبط به طور خاص اشاره کرده و در چند ماده دیگر که اختصاص به دعاوی طاری دارد به طور پراکنده به آن اشاراتی داشته است. اما باید توجه داشت در حقوق موضوعه‌ی ایران نیز، ماهیت دعاوی مرتبط از دعاوی طاری مستقل است. با این توضیح که قواعد دعاوی مرتبط بر قواعد دعاوی طاری حاکم بوده و دایره‌ی شمول آن را گسترش می‌دهد.

توأم نمودن دعاوی، اقدامی است که دادگاه در هر حال پس از طرح دعاوی طاری (دعاوی اضافی، متقابل، جلب ثالث و ورود ثالث) در صورت وجود شرایط قانونی، به آن مبادرت می‌ورزد. بدین معنا که هر یک از دعاوی مزبور را با دعوای اصلی یک‌جا مورد رسیدگی قرار می‌دهد و علی‌القاعده در رأیی واحد تکلیف آن‌ها را روشن می‌نماید. اما توأم نمودن دعاوی به سبب طرح دعاوی طاری در این‌جا مورد نظر نمی‌باشد بلکه فرضی مورد نظر است که دادخواست‌های متعددی، در محدوده‌ی دادرسی‌های جداگانه به یک دادگاه داده شده که بین آن‌ها چنان رابطه‌ای وجود دارد که می‌توان به همه‌ی آن‌ها یک‌جا رسیدگی نمود و با رأیی واحد تکلیف همه‌ی آن‌ها را روشن کرد.

ماده 103 قانون آیین دادرسی مدنی، توأم نمودن دعاوی را در غیر مورد طرح دعاوی طاری پیش‌بینی کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: اگر دعاوی دیگری که ارتباط کامل با دعوای طرح شده دارند در همان دادگاه مطرح باشد، در یکی از شعب با تعیین رئیس شعبه اول یک‌جا رسیدگی خواهد شد. در مورد این ماده وکلا و اصحاب دعوا مکلفند از دعاوی مربوط دادگاه را مستحضر نمایند. توأم نمودن دعاوی حتی اگر در دادگاه‌های متعدد اما هم‌عرض هم اقامه شده باشد در پی ایراد به موجب بند 2 ماده 84 قانون آیین دادرسی مدنی نیز پیش‌بینی

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

شده است. در حقوق ایران نیز توأم نمودن دعاوی موجب نمی‌شود که هر یک از دعاوی استقلال خود را از دست بدهد (شمس، 1387، صص 54-55).

با دقت در این ماده قانونی می‌توان گفت که اولاً: این قاعده تنها در مراجعی که با هم از یک صنف و درجه و نوع هستند قابل اعمال است ثانیاً: این قاعده در رابطه با دعاوی مرتبطی که عنوان دعوای طاری را ندارند یا دعاوی طاری که در موعد مقرر در دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوای اصلی طرح نشده است یا دعاوی مرتبطی که ضمن یک دادخواست طرح نشده است، قابل اعمال است.

د- دعاوی متعدد ناحیه‌ای (Multi-District Litigation)

در سال 1998 میلادی کنگره آمریکا، سازوکاری را برای تمرکز دعاوی مشابه که در چندین دادگاه بخش فدرال مطرح می‌شد، فراهم نمود (28 U.S.C. § 1407). مطابق این تصمیم، دعاوی متعدد مشابهی که در چند دادگاه بخش فدرال اقامه شده‌اند برای رسیدگی‌های قبل محاکمه، خاتمه‌ی دعوا، و کشف و بررسی، در یک دادگاه بخش مشترکاً مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. رسیدگی به دعاوی مشابه در یک دادگاه، با این هدف که موضوعات مشترک، بهتر و کارآمدتر بررسی شوند صورت می‌گیرد. زمانی که این موضوعات مورد بررسی قرار گرفت و این هدف تأمین شد، این دعاوی به دادگاه‌های اصلی خود که در آن‌جا اقامه شده بازمی‌گردند. این رسیدگی توأمان به دعاوی مشابه، موجبات بررسی‌های دقیق‌تر و کم‌هزینه‌تر را درخصوص اقدامات زیان‌بار خوانده نسبت به رسیدگی مجزا به دعاوی فراهم می‌کند. از سویی دیگر، خوانده نیز ابزاری مؤثر برای کنترل پیچیدگی‌های حاصل از دعاوی با قضات متعدد و احکام متفاوت می‌یابد (Trask, op.cit, p.9).

ه- دعاوی اشتراکی (Collective Action)

برخی قوانین مانند قانون استانداردهای منصفانه‌ی کار ((Fair Labor Standards Act(2005) دارای ماهیت جمعی هستند. در این قوانین امکان طرح دعاوی دسته‌جمعی، پیش‌بینی شده است. مطابق قانون اخیرالذکر، هر کارگری که از عمل کارفرمای خود متضرر شده، می‌تواند

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

علیه او دعوای اشتراکی اقامه کند و برخلاف روند سختگیرانه‌ی پذیرش دعوای گروهی، در این قبیل دعاوی خواهان‌ها تنها کافیست ثابت کنند که همه در موقعیت مشابهی قرار دارند. روند شکلی اقامه‌ی این دعاوی، تا حدودی با دعاوی گروهی تفاوت دارد؛ در این دعاوی دادگاه در مورد ورود به دعوای سایر کارگرانی که در موقعیت مشابه خواهان قرار دارند و تبعاً ابلاغ موضوع به آن‌ها، تصمیم‌گیری می‌کند. اگر در تحقیقات بعدی ثابت شود که این دعوا قابلیت طرح به صورت اشتراکی را ندارد، دادگاه جواز پذیرش آن را ملغی می‌سازد (Trask, op.cit,p.10).

قسمت دوم- نقاط قوت و ضعف دعوای گروهی

دعوای گروهی به دنبال احساس نیاز جامعه‌ی حقوقی به طراحی شیوه‌های احقاق حق کارآمد و منطبق با مصادیق تعدد افراد متضرر از موضوع واحد، شکل گرفت. در واقع، نقاط قوت طرح دعوای گروهی موجبات پذیرش این شیوه را در جامعه‌ی حقوقی فراهم آورد (مبحث اول) اما این شیوه‌ی جدید زمینه‌ساز سوءاستفاده و ورود ضرر به اعضای گروه و خواندگان با حسن نیت را نیز به همراه داشته است (مبحث دوم).

مبحث اول- نقاط قوت طرح دعوای گروهی

طرح دعاوی گروهی در سال‌های اخیر، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اجازه‌ی طرح دعاوی گروهی موجب می‌شود مصرف‌کنندگان انگیزه‌ی بیشتری برای طرح ادعاها و پیگیری نقض حقوق خود داشته باشند. جمع زیان‌های تک تک افراد گروه با یکدیگر زیان بزرگی را تشکیل می‌دهد که، مطالبه‌ی خسارت از عرضه‌کننده‌ی متخلف را توجیه می‌نماید. دعاوی گروهی موجب صرفه‌جویی در وقت و هزینه دادگاه‌ها می‌شود و دادگاه به جای رسیدگی به دعاوی کم‌اهمیت بی‌شمار، به یک دعوای مهم و پر اهمیت رسیدگی می‌کند. با توجه به این مهم‌ترین مزایای طرح دعوای گروهی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

الف- استیفای حقوق کم‌ارزش و پراکنده

دعاوی گروهی با ذخیره‌ی زمان و منابع سیستم قضایی، منافع زیادی را برای جامعه به ارمغان می‌آورند. با طرح دعوا به صورت گروهی می‌توان بین شرکت‌های قدرتمند از یک سو و مصرف‌کنندگان نامنسجم، از سویی دیگر موازنه برقرار کرد. زمانی که مطالبات مصرف‌کنندگان متضرر از ارزش بالایی برخوردار نیست، به لحاظ اقتصادی، طرح دعوا به صورت انفرادی و مجزا مقرون به صرفه به نظر نمی‌رسد و به وسیله‌ی دعاوی گروهی است که رسیدگی کارآمد به ادعاهای کوچک امکان‌پذیر می‌شود (Trask, op.cit, pp.12-13).

ب- کارآیی قضایی و صرفه اقتصادی

رسیدگی به یک دعوا، به‌جای رسیدگی به هزاران دعوای مشابه، در وقت و منابع سیستم قضایی صرفه‌جویی می‌کند. در واقع، دعاوی گروهی فدرال، دعوتی برای اجتماع افراد جهت طرح دعوا نیست بلکه، به عنوان یک دعوای نمایندگیِ واقعی با هدف اجتناب از طرح دعاوی غیرضروری و تکراری مطرح شده است. دعاوی گروهی که به درستی مورد پذیرش دادگاه قرار می‌گیرند به نفع سیستم قضایی و حتی خوانده است. اگر هزاران نفر شکایت واحد و یکسانی علیه خوانده داشته باشند، این اتلاف منابع قضایی است که دعاوی مربوطه به صورت انفرادی و تکراری اقامه شوند. چرا باید هزاران قاضی و هیأت منصفه را متعهد به رسیدگی به دعوایی کرد که پیش از آن در موارد مشابه مورد رسیدگی و تصمیم‌گیری قرار گرفته است؟ چرا باید افراد را مجبور نمود تا هزینه‌ی استخدام وکیل را در پرونده‌هایی متحمل شوند که بارها پیش از آن مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند؟ (Ibid, p.14).

ج- ماهیت بازدارندگی

دعوای گروهی به افراد اجازه می‌دهد خواسته‌های خود را مجتمعاً در قالب یک دعوا طرح نمایند. این اقدام احتمال مسئول شناخته شدن خوانده را افزایش می‌دهد. مسئولیت خوانده در حالت جمعی دعوای گروهی بسیار بزرگ‌تر از دعاوی مجزا است. بنابراین، خوانده پیش از

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

اقدام عمل با دقت بیشتری به عاقبت کار می‌اندیشد و از این طریق از اعمال خلاف قانون شرکت‌های بزرگ، جلوگیری به‌عمل می‌آید (Ibid, p.14).

د- تنظیم مقررات پسینی (Ex Post Regulation)

بازارهای مالی با کاستی‌هایی از قبیل عدم تقارن اطلاعات و هزینه‌های بالای معاملاتی مواجه هستند. برای اصلاح این کاستی‌ها و افزایش رفاه اجتماعی ابزارهای مقررات‌گذاری پیشینی (Ex Ante Regulation)، پسینی و خودکنترلی (Self Regulation) مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاستی‌های بازار با به کارگیری هر سه ابزار ممکن اصلاح می‌شود. در این میان دعوای گروهی، یک ابزار مقررات‌گذاری پسینی محسوب می‌شود که پس از وقوع حادثه به کنترل و تنظیم می‌پردازد و آثار بازدارندگی آن موجب افزایش کارآیی بازار می‌شود. مقررات‌گذاری‌های پیشینی، از سوی مقامات عمومی از طریق استانداردگذاری و کنترل به صورت مستقیم و متمرکز نسبت به همه‌ی مردم اعمال می‌شود. این در حالی است که مقررات‌گذاری پسینی که دعوای گروهی جزو آن‌ها محسوب می‌شود، از سوی اشخاص از طریق اقامه‌ی دعوا به صورت غیر مستقیم و غیر متمرکز به کنترل اعمال طرفین دعوا می‌پردازد. مقام‌های تصمیم‌گیرنده در این مقررات‌گذاری، قضات می‌باشند. مقررات‌گذاری‌های پسینی به مراتب انعطاف‌پذیرتر تلقی می‌شوند، چراکه در مقررات‌گذاری پیشین به تدوین یک سری قوانین ثابت پرداخته می‌شود و با در نظر گرفتن حد مطلوب عملکردها، برای کنترل آن‌ها مقررات وضع می‌شود. یکی از قلمروهایی که در آن دعوای گروهی به عنوان یک ابزار تنظیمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، حمایت از سرمایه‌گذاران در مقابل مدیران در بازارهای مالی است. بر این اساس این امکان برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌شود تا مدیران را به دلیل رفتارهای مسامحه‌کارانه، مورد تعقیب قرار دهند (Porrini, 2007, pp.6-8).

ه- قطعیت

عدم قطعیت در دعاوی برای طرفین دعوا هزینه‌های زیادی را به دنبال دارد. این مسأله زمانی که تعداد زیادی از خواهان‌های بالقوه، ادعاهای مشابه مطرح می‌کنند شدت می‌یابد.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

رسیدگی جداگانه به ادعاها یکی پس از دیگری منجر به نتایج متفاوتی می‌شود. این تفاوت‌ها از شرایط، قوانین، و عملکرد وکلا، قضات یا هیأت منصفه‌ی متفاوت ناشی می‌گردد. تعدد عوامل مؤثر در نتایج متفاوت موجب افزایش هزینه‌های خوانده نیز می‌گردد. از این رو رسیدگی به دعاوی متعدد در قالب دعوای گروهی و در یک دادرسی، عدم قطعیت ناشی از این تفاوت‌ها را کاهش می‌دهد (Trask, op.cit, p.15).

و- امکان جبران خسارت وارد شده به تمام اعضای گروه

درصورتی که خوانده با دعاوی متعددی روبه‌رو باشد، این احتمال وجود دارد که دارایی او برای جبران خسارت تمام افراد گروه کافی نباشد و افرادی که زودتر اقامه‌ی دعوا نموده‌اند، در مورد ادعای مشابه با دیگران، مبلغ بالاتری دریافت نمایند و در نتیجه از سرمایه‌ی خوانده چیزی برای جبران خسارت سایر متضررین باقی نماند. اما دعوای گروهی این خطر را برطرف می‌نماید و امکان پرداخت خسارت به همه‌ی اعضای گروه را به یک نسبت فراهم می‌کند (Silver, 2000, p.204).

مبحث دوم- نقاط ضعف طرح دعوای گروهی

نهاد دعوای گروهی از کاستی‌ها به دور نیست. در بعضی مواقع با طرح دعوای گروهی، اعضای گروه هیچ منفعتی به دست نیاورده‌اند یا از منفعت اندکی برخوردار و گاهی نیز متضرر شده‌اند. همچنین در مواردی وکیل گروه از حق‌الزحمه زیادی برخوردار شده و این در حالی است که سایر اعضای گروه بدون دریافت مبلغ متناسب با ادعای مطروحه رها گردیده‌اند. در کنار این، ارسال ابلاغ‌های گیج‌کننده، مانع فهم کامل محتوای آن‌ها توسط اعضای گروه شده و از اجرای مؤثر حقوق آن‌ها جلوگیری به‌عمل می‌آورد. در این‌جا برخی از مهم‌ترین معایب مطرح شده درخصوص دعوای گروهی مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف- امکان سوءاستفاده

یکی از مهم‌ترین معایب و هزینه‌های نهاد دعوای گروهی، امکانی است که برای

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

سوءاستفاده فراهم می‌نماید. در واقع، انگیزه‌های قدرتمند زیادی برای سوءاستفاده از این شیوه‌ی اقامه‌ی دعوا وجود دارد. دعاوی گروهی به خواهان این فرصت را می‌دهد تا ادعاهای کوچک و کم‌ارزش خود را علیه کمپانی‌های بزرگ در قالب یک دادرسی طرح کند و این امید را داشته باشد که با سازشی سریع به منافعی دست یابند و گاهی با سوءاستفاده از این حق، شرکت‌های بزرگ را بر سر این دو راهی قرار دهند که یا به حل و فصل دعاوی بی‌ارزش بپردازند و یا این‌که خود را در معرض ورشکستگی قرار دهند. از این طریق، امکان طرح دعوای واهی افزایش می‌یابد و اعتبار تولیدکنندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات، خدشه‌دار می‌شود و زمینه‌ی اخاذی فراهم می‌گردد. از سوی دیگر انگیزه‌های قوی برای وکلای خواهان و شخص خوانده وجود دارد تا دعوای گروهی را به عنوان ابزاری برای دست یافتن به سودی قطعی برای خود و تنها منفعتی احتمالی برای اعضای گروه به کار گیرند (Sherman, op.cit, p.2).

ب- سلب حق اعضای گروه برای اقامه‌ی دعوای فردی

اگر وکیل خواهان یا نماینده‌ی گروه نتواند به شکل مؤثری از منافع گروه دفاع کند و مطالبات وی را مطرح سازد، تمام اعضای گروه متضرر می‌شوند و حق اقامه‌ی دعوای فردیِ مجزا در آن موضوع، از آن‌ها سلب می‌شود. خطر از دست دادن حق اقامه‌ی دعاوی فردی پس از شرکت در دعوای گروهی آن را به یک قمار هیچ یا همه چیز تبدیل می‌کند. دعاوی گروهی بالاخص دعوای گروهی مصرف‌کننده، اغلب متضمن عملی است که منفعت عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه دعاوی گروهی به نماینده‌ی گروه و وکیل گروه، امکان تصمیم‌گیری درخصوص منفعت عمومی که در گروه متبلور شده را می‌دهد. بنابراین اگر وکیل مرتکب یک اشتباه جدی بشود، به منفعت عمومی و کل اعضای گروه ضرر وارد می‌سازد (Bronsteen, Fiss, 2003, p.1420).

ج- تعارض بالقوه منافع بین وکیل و اعضای گروه

مهم‌ترین نقطه ضعف دعوای گروهی، بالاخص دعوای گروهی مصرف‌کننده، از منطق جاری در آن سرچشمه می‌گیرد. از یک سو، ادعای هیچ‌کدام از اعضای گروه به قدری قابل

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

توجه نیست که اقامه‌ی دعوا و تحمل هزینه‌های دادرسی را به تنهایی به عهده بگیرد؛ از سوی دیگر، با اقامه‌ی دعوا به صورت گروهی، این نماینده و وکیل گروه است که وظیفه‌ی ارائه‌ی مطالبات گروه را در دادگاه به عهده دارد و این وکیل گروه است که عهده‌دار پیش‌برد روند دادرسی و ارائه‌ی منافع گروه خواهد بود. اگر وکیل تجربه و شایستگی لازم را داشته باشد، مطالبات گروه به خوبی ارائه می‌شود؛ اما وکلای گروه نیز منافع اقتصادی مخصوص به خود را در دعوا دارند که لزوماً با منافع گروه تطابق ندارد. منافع گروه در این است که، جبران خسارت نهایی خالص ناشی از سازش یا رسیدگی دادگاه به حداکثر برسد و هرچه هزینه‌های دادرسی و دستمزد وکیل کم‌تر باشد، به نفع گروه است؛ اما منفعت اقتصادی وکیل در این است که، ساعات مؤثری که در پرونده صرف کرده و دستمزد ناشی از آن را به حداکثر برساند. در نتیجه یک وکیل صادق و وفادار به گروه نیز، در نهایت تحت تأثیر تعارض منافع قرار می‌گیرد. این تعارض منافع زمانی که قرار است دستمزد وکیل از پولی که به عنوان جبران خسارت به گروه داده شود برداشت شود، خود را نمایان‌تر می‌سازد و هر آن‌چه وکیل دریافت می‌کند از دارایی گروه کم می‌شود (Cooper Alexander, 2000, p.18).

از این رو در سال 2005 میلادی، به موجب قانون کافا (Class Action Fairness Act) سعی شد این تعارض منافع وکیل و گروه خواهان‌ها تا حدی کاهش یابد. به موجب این قانون، مقرر شد در پرداخت‌های کوپنی، دستمزد وکیل بر مبنای کوپن‌هایی که توسط خواهان‌ها در نهایت وصول شده و مورد استفاده قرار گرفته، پرداخت شود تا وکلا به سازشهایی با کوپن‌های بی‌ارزش تن ندهند. همچنین در بحث تأیید سازش بین گروه و خوانده و پرداخت دستمزد به وکیل، دادگاه‌ها موظف شدند تا گزارش مکتوبی از منصفانه بودن آن‌ها ارائه کنند و برای حفاظت از منافع گروه بر روند دعوای گروهی، نظارتی دقیق‌تر از پیش داشته باشند (Class Action Fairnesss Act 2005).

نتیجه‌گیری

ریشه‌های دعوای گروهی، به عنوان یک شیوه‌ی پیچیده اقامه‌ی دعوا، به حقوق انگلستان باز می‌گردد؛ لکن حقوق ایالات متحده، بستر رشد و بالندگی این شیوه‌ی اقامه‌ی دعوا قرار

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

گرفته است. دعوای گروهی به عنوان یکی از اقسام طرح دعاوی به صورت دسته‌جمعی، از پرحاشیه‌ترین مباحث حقوقی در ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. قوانین فدرال ایالات متحده، از منسجم‌ترین و بهترین الگوها در این قلمرو می‌باشد که از سوی بسیاری از کشورها نیز دنبال شده است.

در این شیوه طرح دعوا، فرد یا افرادی به عنوان خواهان، به نمایندگی از سوی تعداد زیادی از افراد که در موقعیت مشابه آن‌ها قرار دارند، در دادگاه به اقامه‌ی دعوا می‌پردازند. مطالبات خواهان‌های نماینده، مشابه ادعاهای اعضای گروه است و آن‌ها از منافع گروه حمایت می‌کنند. طرح دعوا به صورت گروهی، منافع زیادی را نصیب جامعه می‌کند. دو متن قانونی شامل ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال و قانون *کافا* که اصلاح موادی از بخش 28 قانون ایالات متحده آمریکا است، تمامی شرایط و لوازم طرح دعوای گروهی را بیان داشته‌اند. دعاوی گروهی در حوزه‌های متعددی از قبیل حقوق مصرف‌کننده، آنتی‌تراست، حقوق محیط زیست و حقوق استخدامی امکان طرح دارند.

اگرچه دعوای گروهی، شناخته شده‌ترین شکل طرح دعوا از سوی تعداد زیادی از افراد است که از حادثه‌ای متضرر شده‌اند، اما اقسام متعددی از شیوه‌های طرح دعوا به صورت دسته‌جمعی وجود دارد. برجسته‌ترین اشکال طرح دعاوی جمعی، دعوای اشتراکی، دعاوی ورود ثالث، دعوای جمعی، ادغام دعاوی مجزا و دعاوی چند ناحیه‌ای است. دعاوی جمعی یادشده تفاوت‌هایی با دعوای گروهی دارند. مهم‌ترین تفاوت آن‌ها، ماهیت نمایندگی دعاوی گروهی است. این امر موجب می‌شود حکم صادره در این قبیل دعاوی، بر همه‌ی اعضای غایب گروه نیز تسری یابد. این در حالی است که در سایر اقسام اجتماع افراد در دعاوی، هر کدام از خواهان‌های دعوا در روند دادرسی، نقش مستقلی را ایفا می‌کنند و ادغام دعاوی نیز حقوق طرفین دعوا را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و هر کدام از طرفین می‌بایست دلایل و مستندات خود را مستقلاً ارائه نماید.

لزوماً رویه‌ی دعاوی گروهی در حقوق آمریکا، یک الگوی ایده‌آل برای همه‌ی کشورها محسوب نمی‌شود؛ لیکن با ملاحظه قوانین بومی کشور مقصد، به کارگیری اندیشه‌ی حاکم بر

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

این شیوه جدید طرح دعوا، می‌تواند موجبات تسریع و تسهیل احقاق حقوق و ایجاد موازنه در حقوق را فراهم آورد.

درخصوص دعوای گروهی به عنوان یک شیوه‌ی پیچیده‌ی اقامه‌ی دعوا از سوی تعداد زیادی از متضررین، رویه‌ی خاصی در آیین دادرسی مدنی ایران پیش‌بینی نشده است. به نظر می‌رسد این امر با نظام حقوقی ما بیگانه است که فردی اجازه اقامه‌ی دعوا را از سوی تعداد زیادی از افراد داشته باشد، بدون این‌که آن‌ها به عنوان طرف دعوا در دادرسی حضور داشته باشند و یا به طرح‌کننده‌ی دعوا، اجازه‌ی طرح دعوا داده باشند. حال آن‌که در زمینه‌ی طرق مشابه طرح دعوا به صورت گروهی در حقوق ایران با مواردی مانند امکان اجتماع افراد برای اقامه‌ی دعوا به موجب یک دعوا، ورود ثالث و اجتماع دعاوی مرتبط روبه‌رو هستیم. آن‌چه مهم به نظر می‌رسد این است که در نظام حقوقی ایران طرق مشابه برای طرح دعوای جمعی مشاهده می‌شود اما نهاد دعوای گروهی که مهم‌ترین وجه ممیزه‌ی آن نمایندگی فردی از جانب تعداد زیادی از افراد زیان‌دیده از حادثه‌ای واحد است، پیش‌بینی نشده است. با این توجه، به نظر می‌رسد بتوان با طرح موضوع دعوای گروهی در دکترین حقوقی، زمینه‌ی پیش‌بینی این شیوه‌ی کارآمد اقامه‌ی دعوا و بومی نمودن آن را در حقوق ایران فراهم نمود.

فهرست منابع

الف- فارسی

- سیملر، فیلیپ، (1377)، **راه‌حل حقوق فرانسه در مقابله با شروط تحمیلی در قراردادها**، مترجم: عباس قاسمی حامد، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره 23-24

- شمس، عبداله، (1387)، **آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)**، جلد 3، چاپ چهاردهم، انتشارات دراک.

- صالحی، جواد؛ ابراهیمی، یوسف، (1391)، **مبانی و قلمرو تعهد به ارائه اطلاعات به مصرف‌کننده کالا**، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره اول، بهار و تابستان.

- قاسمی حامد، عباس، (1375)، **مروری اجمالی بر نظریه تعهد به دادن اطلاعات**، مجله‌ی کانون وکلا، شماره10.

- قاسمی حامد، عباس، (1386)، **حسن نیت در قرارداد، مبنای تعهد به درستکاری و تعهد به همکاری در حقوق فرانسه**، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره 46.

- قاسمی حامد، عباس، (1388)، **متخصص، متعهد ارائه‌ی اطلاعات به مصرف‌کننده در حقوق فرانسه**، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره 49.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

- قاسمی حامد، عباس؛ خالدی، پری، (1389)، **پیش‌گیری از ورود خسارت به مصرف‌کننده‌ی کالای معیوب یا خطرناک در قوانین و مقررات جاری**، مجله تحقیقات حقوقی، دوفصلنامه علمی پژوهشی، شماره 51.
- قاسمی حامد، عباس؛ خالدی، پری (1391)، **مسئولیت خسارت وارده به مصرف‌کننده کالای معیوب یا خطرناک**، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس، سال دوازدهم، شماره 2.
- کله الوا، ژان، (1377)، **معرفی حقوق مصرف کننده**، مترجم: عباس قاسمی حامد، مجله حقوقی، شماره 23، پاییز و زمستان.
- کله الوا، ژان، (1379)، **تعریف مصرف‌کننده**، مترجم: عبدالرسول قدک، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 30-29.
- کاشانی، جواد، (1391)، **دعوای گروه: پاسخی به ضرورت وجود تعادل میان قواعد اولیه و ثانویه در سیستم حقوقی**، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره 37.
- محسنی، حسن؛ غفاری فارسانی، بهنام؛ شوشتری نسب، نفیسه، (1391)، **دعاوی جمعی و نقش آن‌ها در احقاق حق مصرف‌کنندگان**، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، شماره 1، پاییز.

ب- انگلیسی

-Anderson, Brian, Trask, Andrew, (2010), **The Class Action Playbook**, Oxford University Press.
-A. Solheim, Mark, Hornbrook, Sarah, (2013), **Product Liability Class Action Lawsuit: A Primer & Recent Trends**, Larson. King, LLP.
-Beisner H. John, et al, (2005),**Class Action "Cops**", Public Servant or Private Entrepreneurs?", Stanford Law Review ,Vol. 57.
-Blank D. Joshua, A. Zacks, Eric, (2005), **Dismissing the Class: A Practical Approach to the Class Action Ristriction on the Legal Services Corporation**, Penn State Law Review, Vol. 110.
-B. Marcin, Raymond,(1974), **Searching for the Origin of Class Action**, Catholic University Law Review, Vol. 23.
-B. Rubenstein, William, (2005), **Understanding the Class Action Fairness Act of 2005**, UCLA Program on Class Action.
-Bronsteen, John , Fiss, Owen, (2003), **The Class Action Rule**, Notre Dame Law Review, Vol. 78, No. 5.
-B. Scheuerman, Sheila, (2006), **The Consumer Fraud Class Action: Reining in Abuse by Requiring Plaintiffs to Allege Reliance as Essential Element**, Harvard Journal, Vol 43.
-Cooper Alexander, Janet, (2000), **An Introduction to Class A ction Procedure in the United States**, Presented Conference: Debate Over Group Litigation in Comparative Perspective, Geneva, Switzerland.
-C. Hazard JR., Geoffrey, L. Gedid, John, Sowle, Stephen, (1998), **An Historical Analysis of the Binding Effect of Class Suits**, University of Penssylvania Law Reviw ,Vol. 146.
-Driggers S. Martin, (1973-1974), **Consumer Class Actions under Federal Rule 23: Consumer Protection Causes of Action available under Federal Statute**, SOUTH CAROLINA Law Review, VOL .25.
-F. Sherman, Edward, (2007), **Consumer Class Actions: Decline and Fall?**, ABA JOURNAL, Vol. 51.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

-H. Miller, Chris, (2009), **The Adaptive American Judiciary: From Classical Adjudication to Class Action Litigation**, Albany Law Review, Vol. 72.
-Lyn Basset, Debra, (2007), **Constructing Class Action Reality**, Brigham Young University Law Review.
-Porrini, Donatella, (2007), **Which Law & Economics Model? The Case of Class Action**, Universita di Lecce - Facolta di Economia.
-Silver, Charles, P. Miller, Geoffrey, (2010), **The Quasi-Class Action Method of Managing Multi-District Litigations: Problems and a Proposal**, Vanderbilt Law Review, Vol. 63.
-Silver, Charles, (2000), **Class Action- Representation Proceeding**, in 5 Encyclopedia of Law & Economics, Boudewijn Bouckaert & Gerrit De Geest (eds).
-Spender, Peta, (2002), **Securities Class Actions: A View from the Land of the Great White Shareholder**, Common Law World Rev, Vol. 31.
-X. Shen, Francis, (2010), **The Overlooked Utility of the Defendant Class Action**, Denver University Law Review.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]